

در گفت‌وگو با سیمین کاظمی، جامعه‌شناس مشکلات مربوط به اجتماع و همزیستی‌های خانواده در روزهای آخر هفته بررسی شد

زندگی خانوادگی در تعطیلات



مشترک داشته باشند، به این معنی است که خانواده دست‌کم به طور موقت فاقد کارکرد است.

◆ **کانون خانواده** به عنوان مفهومی که مرکزیت و محوریت دارد زیر سؤال رفته است. در حال حاضر ما شاهد «خانواده‌های آخر هفته» هستیم. افرادی که به جز در آخر هفته‌ها و تعطیلات در کنار هم زندگی نمی‌کنند. این خانواده آخر هفته را در جامعه چطور ارزیابی می‌کنید؟ آیا این مسئله به خودی خود یک نوع بحران و آسیب است یا چون شناخت از این بافت کافی نیست؛ باعث می‌شود ما آن را به دید بحران ببینیم؟

بدیهی است برای اینکه ارزیابی داشته باشیم از اینکه یک مشکل در حد بحران است و به آسیب‌های اجتماعی منجر شده یا نه، باید بزرگی و وسعت آن را تشخیص دهیم و نیازمند بررسی و آمار هستیم. وقتی مشخص نیست که چه تعداد از افرادی که ازدواج کرده‌اند، قادر به زندگی در کنار هم نیستند، نمی‌توانیم درباره بحران بودن یا نبودن آن اظهار نظر کنیم. اما آنچه مشخص است بحران مسکن و بحران اقتصادی است که همه جنبه‌های زندگی را تحت تأثیر قرار داده است که تشکیل خانواده و زندگی زیر یک سقف هم یکی از این جنبه‌هاست. به هر حال وقتی در جامعه‌ای نهاد خانواده و کارکردهای آن اهمیت داشته باشد، و تشکیل خانواده در شرایط سختی قرار بگیرد، این وضعیت نگران‌کننده است و حال اگر شیوع آن بالا به نظر برسد، بحران تلقی می‌شود.

فاطمه زارع، بدیهی است که هر فرهنگی به نهاد خانواده به‌عنوان شاکله ساختار اجتماعی خود توجه ویژه‌ای دارد و سعی می‌کند آن را حفظ کند. خانواده در هر ملیت و فرهنگ، مفهومی کاملا بومی و غیر قابل مقایسه با خانواده در فرهنگی دیگر است. از این گذشته مفهوم خانواده حتی در یک فرهنگ و ملیت واحد طی سالیان متمادی در گذار نسل‌ها دچار تغییر و تحول می‌شود. گاهی نیز تغییرات نوعی کج‌روی و انحراف از کارکرد و مسیر اصلی یک نهاد هستند مثل تغییرات ناشی از فروپاشی یا آسیب‌های سایر نهادهای اجتماعی. جامعه ایرانی در دهه‌های اخیر در کوران مسائل و مشکلات متعددی در نهاد آموزش و اقتصاد بوده است؛ ازاین‌رو پرسش امروز ما این می‌شود که آیا خانواده ایرانی با مشکلات و مسائل مواجه است؟ در باب آسیب‌شناسی خانواده و تحلیل امروزی مفهوم این نهاد اجتماعی، خیرنگار روزنامه «شرق» با سیمین کاظمی، جامعه‌شناس، گفت‌وگو کرده است.

◆ **موضوع مصاحبه** ما «مسائل و مشکلات خانواده» است. در حال حاضر مواردی داریم که به دلیل شرایط اقتصادی در خانه پدر و مادر خود و جدا از هم زندگی می‌کنند؛ همین مسئله منجر به جدایی، بعضا خیانت یا دست‌کم سردی بین دو طرف می‌شود. اقتصاد چطور می‌تواند خانواده را به عنوان یکی از پایه‌های نظام اجتماعی مضرر کند؟

نهادهای اجتماعی عموماً همدیگر را تحت تأثیر قرار می‌دهند و در این بین نهاد اقتصاد بیش از سایر نهادها تعیین‌کننده است و تغییرات آن نهادهای دیگر از جمله نهاد خانواده را متحول می‌کند. در طول تاریخ خانواده متأثر از وضعیت اقتصادی دچار تغییر و تطور شده و در دوره ما هم که عصر سیطره سرمایه‌داری و اقتصاد بازار است، خانواده در حال تغییر است و به سمت خانواده هسته‌ای و اخیراً هم بالینی رفته است. حال اینکه آیا تغییرات خانواده به زیان جامعه است یا خیر به کارکردهایی بستگی دارد که آن جامعه از نهاد خانواده انتظار دارد. این کارکردها شامل کنترل و تنظیم رفتار جنسی و تولید مثل و فرزندپروری و تولید نیروی کار است. وقتی دو فرد که ازدواج کرده‌اند در دو خانوار جداگانه زندگی می‌کنند، این به معنی شکست نهاد خانواده و ازدواج در ارائه کارکردهایی است که از آن انتظار می‌رود. معنایی که عموماً از خانواده درک می‌شود، زندگی یک زن و مرد و احتمالاً فرزندان زیر یک سقف است، وقتی به علت گرانی مسکن و هزینه‌های زندگی دو فرد نتوانسته‌اند زندگی

طرح تابستانه کتابخانه‌های حامی

اهداف برنامه طرح تابستانی کتابخانه‌های انجمن حامی

احترام به محیط زیست

ترویج کتاب و کتابخوانی

بزرگداشت آداب و رسوم و نام آوران منطقه

امسال هم انجمن حامی برای اجرای برنامه‌های متنوع آموزشی و تفریحی برای کودکان و نوجوانان عزیز در مناطق کم بر خوردار کشور و استفاده بهتر از فضای کتابخانه های خود طرح تابستانه را بر گزار می کند.

hamiassociation.org
@hami_association
Tel: ۰۲۱۸۱۱۴۶۴۹

من یک حامی هستم

انجمن حامی حمایت از توسعه فضاهای آموزشی و فرهنگی

◆ **بافت خانواده** و معنای خانواده در حال حاضر در تغییر است. این تغییر را در مفاهیم پدر، مادر، فرزند و حق هرکدام بر دیگری چطور می‌بینید؟

تا حدودی در خانواده‌ها نقش‌ها و قدرت تصمیم‌گیری اعضا تغییر کرده است. مثلاً در طبقه متوسط جایگاه فرزندان تغییر کرده و اهمیتشان نسبت به گذشته بیشتر شده است. می‌شود گفت بچه‌ها محور توجه والدین هستند چنان‌که پدرها و مادرها می‌خواهند مطلوب خود را در وجود فرزندان بسازند. اما هم‌زمان قدرت والدین به‌ویژه پدر نسبت به فرزندان در حال زوال است. یعنی آن اطاعت و تسلیم محض که قبلاً از فرزندان انتظار می‌رفت، کمتر شده است. ولی تحمل نسبت به عدم اطاعت دربارۀ همه خانواده‌ها یکسان نیست و به‌ویژه نافرمانی دختران کمتر تحمل می‌شود، چنان‌که در مواردی ممکن است منجر به خشونت مبتنی بر جنسیت و حتی قتل شود که نمونه‌هایی از آن در سال‌های اخیر در رسانه‌ها گزارش شده است.

◆ **آیا ما در مسئله خانواده با دگرذیسی صمیمیت روبه‌رو هستیم؟**

عقلانیت نئولیبرالی شکل‌های سنتی پیوندها و روابط اجتماعی و صمیمیت را که به خصوص بیشتر در نهاد خانواده قابل حصول بوده، در معرض اضمحلال قرار داده است. حالا در این عصر افراد با این واقعیت روبه‌رو هستند که صمیمیت هم می‌تواند شکل کالایی پیدا کند و الزاماً چیزی نیست که در نهاد خانواده بدون چشمداشت قابل حصول باشد.

◆ **از آنجا که بعضاً رضایت زن در زوج‌شدن، رضایتی است که سخت‌تر به دست می‌آید؛ آیا می‌توان از این موضوع پلی زد به برساخت جدید معنایی زن از خودش؟ آیا نگاه زن به خودش و نگاه جامعه به زن تغییر یافته؟**

در ایران بعضاً خانواده یک نهاد دموکراتیک نیست که حقوق زن و مرد را به یکسان تضمین کرده باشد، زنان در ورود به قرارداد ازدواج بخشی از حقوق را از دست می‌دهند و در عوض قرار است به لحاظ مادی و معیشتی توسط مرد تأمین شوند و تضمین بگیرند یعنی با نفقه و مهریه. زن در این قرارداد به دنبال محاسبه هزینه-فایده است. اینکه در ازای حقوقی که از دست می‌دهد، پاداش‌های مادی به دست بیاورد که کمتر ضرر کند و محرومیت‌های اجتماعی‌اش مثل بی‌کاری و دسترسی کمتر به منابع را با این قرارداد جبران کند. برای همین می‌بینیم که حالا مهریه و واگذاری حقوق به بحث مهمی در ازدواج تبدیل شده است. در واقع در متن اجتماعی و اقتصادی که ما قرار گرفته‌ایم و بازار تعیین‌کننده همه شئون زندگی است، سوزگی افراد نیز تغییر کرده است. زن که برای قرن‌ها به عنوان سوزۀ حقوقی شناسایی نشده در دهه‌های اخیر به عنوان سوزۀ خودمحور نفع‌جو برساخته شده است که اهل محاسبه و مطالبه است. در قرارداد و معامله ازدواج می‌کوشد اطاعت و پذیرفتن برتری مردانه را با مهریه بیشتر تاخت بزند. این زن، زن جدیدی است که محصول شرایط اجتماعی و اقتصادی است.

◆ **آیا می‌توانیم ادعا کنیم نگاه مصرفی انسان در بافت خانواده افزایش یافته است؟ منظورم از نگاه مصرفی دید سودجویانه مادی و بعضاً جنسی طرفین به یکدیگر است. اگر بله، علت آن را در چه چیزی می‌توان جست‌وجو کرد؟ اگر دنیای مدرن به سمت مصرف انسان رفته، آیا می‌توانیم ادعا کنیم شرایط اجتماعی - اقتصادی ما این مسئله را تشدید می‌کند؟**

مادی‌گرایی و مصرف‌گرایی ارمغان سیطره نظم جدید اقتصادی است که روابط افراد در متن خانواده را نیز متحول کرده است. در ایران به خصوص در دو دهه اخیر، تلقی از زنان به عنوان شیء، مصرفی افزایش یافته و زنان در معرض این الزام و فشار اجتماعی قرار دارند که خود را با استانداردهای زیبایی و طوافت تطبیق دهند تا در روابط صمیمانه و در ازدواج مقبولیت پیدا کنند. از طرف دیگر به علت نقش نان‌آوری مردان در خانواده، اقتداری که نظام پدرسالاری به آنها تفویض کرده و جایگاه‌شان در خانواده به توانایی خود در تأمین نیازهای افراد تحت تکفل مشروط شده است. ظهور مادی‌گرایی در زمینه بحران اقتصادی فشار بر مردان در ایفای نقش مورد انتظار را بیشتر می‌کند. در واقع وضعیت اقتصادی جدید اگرچه تهدیدی برای نظم پدرسالارانه به حساب می‌آید اما به رهایی زنان و برکشیدن آنها از زیر سلطه بودن و اطاعت‌پذیری کمکی نکرده است، بلکه اشکال جدیدی از نقش‌ها و انتظارات خلق شده که افراد را از زن و مرد به خود مشغول می‌کند.

◆ **در کل «مسائل و مشکلات خانواده» را نتیجه چه چیزی می‌دانید؟**

به نظرم خانواده از نگاه صاحبان یک تفکر خاص دچار بحران شده است، یعنی نگاه کسانی که کارکردهای ویژه‌ای مثل کنترل و تنظیم رفتار جنسی و تولید مثل و بازتولید نیروی کار را از خانواده انتظار دارند و در حال حاضر با تغییرات اقتصادی و اجتماعی، نهاد خانواده را در تهدید می‌بینند. اشاره کردم که در هر دوره تاریخی و متناسب با شیوه تولید اقتصادی خانواده دچار تغییر شده و در جامعه ما هم برخی تغییرات در حال ظهور است. حال این تغییرات از نگاه برخی ممکن است به شکل ناهنجاری و آسیب به شمار بیاید. نهاد خانواده وقتی محل استقرار روابط قدرت نابرابر و سلطه جنسیتی و آسایش مردان به قیمت بدبختی و زجر و استثمار زنان است، قطعاً به تغییر نیاز دارد، اما این تغییر باید به سمت انسانی‌شدن و روابط دموکراتیک باشد نه ظهور اشکالی از خانواده که همان روابط قدرت به شکل دیگری احیا شود.

◆ **چطور می‌توان نگرانی‌های ناشی از این بحران را کنترل کرد؟**

برای ظهور خانواده دموکراتیک که در آن صمیمیت و عاطفه مرکزیت داشته باشد و کسی در آن استثمار نشود و افراد از حقوق مساوی برخوردار باشند، نیازمند تجدید سازمان اجتماعی و اقتصادی هستیم که البته به‌آسانی میسر نمی‌شود.

بازتاب

پاسخ معاونت شهرسازی و معماری شهرداری تهران به گزارش «شرق»

نظر به انتشار مطلبی با عنوان «تهران در آستانه خفگی» در صفحات یک و ۱۰ از روزنامه در مورخ ۱۴۰۲۰۵۰۱۴ (شماره ۴۶۱۶)، بدین‌وسیله توضیحات معاونت شهرسازی و معماری شهرداری تهران درخصوص ابلاغ بخش‌نامه ساخت‌وساز ۶ طبقه روی همکف مشاعی در گذرهای ۸متری و لغو بخش‌نامه ۱۰ساله در این زمینه و همچنین اصلاح دفترچه ضوابط و مقررات طرح تفصیلی شهر تهران در کمیسیون ماده پنج (۵) شهر تهران به پیوست ارائه می‌گردد. لذا مقتضی است بر اساس قانون مطبوعات و به منظور آگاهی مخاطبان شریف و تنویر افکار عمومی، متن ذیل عیناً در همان صفحات به چاپ برسد.

۱- بخش‌نامه صادره در جهت تعیین تکلیف ابهام به وجود آمده در مناطق ۲۲گانه شهر تهران بین مفاد بخش‌نامه صادره از جانب معاونت شهرسازی و معماری در سال ۱۳۹۱ با ضوابط اعلامی در آخرین ویرایش ابلاغی محث سوم مقررات ملی ساختمان درخصوص تعیین حداکثر ارتفاع ساختمان، تهیه و تدوین شد. در این زمینه باید توجه داشت که آخرین ویرایش محث سوم مقررات ملی ساختمان در سال ۱۳۹۵ جمع‌بندی و ابلاغ شده و معاون شهرسازی و معماری وقت شهرداری تهران نیز در قالب مکاتبه با شماره ۸/۸۰۱۶۵۰۸ مورخ ۲۰۳۰/۱۳۹۶۰ این مباحث را جهت اجرا به مناطق ۲۲گانه ابلاغ کرده است و یکی از ضوابط اعلام‌شده در این محبت که در جدول شماره ۳-۲-۱ قید شده، تعیین حداکثر ارتفاع ۲۵ متر (ارتفاعی بالغ بر ۷ طبقه دارای کاربرد) برای گذرهای با عرض ۸ متر است. از آنجا که این ضوابط مغایرتی با بخش‌نامه پیشین داشت، شهرداری‌های مناطق جهت تعیین تکلیف موضوع از ستاد مستقر در حوزه معاونت شهرسازی و معماری شهرداری تهران جهت رفع ابهام، استمداد نمودند که طبیعتاً با توجه به اولویت‌داشتن پایبندی به مقررات ملی ساختمان نسبت به بخش‌نامه‌های داخلی شهرداری تهران در مواردی که قطعیت و صراحت وجود دارد، در بخش‌نامه جدید مطابق با مژ قانون، بر پیاده‌سازی ضوابط و مقررات ملی ساختمان (محث سوم) تأکید شده است.

۱- اینکه این بخش‌نامه ابلاغی، جنبه محدودکننده داشته و حداکثر تعداد طبقات را مشخص کرده و ادا به معنای تعلق گرفتن ۶ طبقه روی همکف مشاعی برای کلیه پلاک‌های واقع در گذرهای ۸ متری نیست و این موضوع صراحتاً در بخش‌نامه مورخ ۲۰۴۰۱/۱۴۰۲ اداره کل شهرسازی و طرح‌های شهری معاونت شهرسازی و معماری شهرداری تهران مورد تأکید قرار گرفته است. در واقع برای هر ملکی که از گذر ۸ متری دسترسی داشته باشد، بر اساس ضوابط په‌ونه و مساحت عرصه، تعداد طبقات مشخصی تعلق خواهد گرفت که سقف آن نباید تحت هیچ شرایطی از ۶ طبقه تجاوز کند. فضاهاگر ملکی با مساحت بیش از ۴۰۰ مترمربع که حاصل تجمیع چند قطعه بوده و در پهنه رایج شهر تهران (R122) در بافت فرسوده جنوب محور انقلاب در مجاورت گذر ۸ متری قرار دارد و طبق ضوابط ساخت‌وساز در بافت فرسوده موضوع بند ۱۵ طرح تفصیلی پایتخت باید ۷ طبقه روی پیلوت ساخت‌وساز داشته باشد، تعداد طبقاتش در ۶ طبقه محدود خواهد شد.

۲- در بخش‌نامه مزبور، تعداد طبقات به صورت ۶ طبقه روی همکف مشاعی لحاظ شده و این موضوع صراحتاً در متن ابلاغی مورد اشاره قرار گرفته است، حال آنکه در آن رسانه به‌گونه‌ای وانمود شده که گویا با ساخت ۷ طبقه دارای کاربرد موافقت شده در حالی که بخش‌نامه پیشین که تعداد طبقات را حداکثر ۵ طبقه روی همکف مشاعی در نظر گرفته بود، به صورت سهوی و یا عمدتاً ۵ طبقه در فضای رسانه‌ای بازنشر شده است.

۴- شهرداری‌ها بر اساس ماده ۳۴ قانون نظام مهندسی و کنترل ساختمان مصوب سال ۱۳۷۴ و اصلاحات بعدی آن، مکلف به رعایت مقررات ملی ساختمان شده‌اند و از سوی دیگر متخصصان و مطلعان از روند تهیه، تدوین و ابلاغ مباحث مقررات ملی ساختمان و همچنین اساتید و نخبگان کنشگر در مراحل تدوین طرح‌های جامع و تفصیلی شهر تهران که به ترتیب در سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۹۱ جهت اجرا ابلاغ شده‌اند، به خوبی از میزان توجه به مباحث فنی همچون آثار جنبی ضوابط و مقررات ابلاغی بر ترافیک، آلودگی هوا، انتظام بصری ساختمان‌ها آگاه هستند و لذا انتظار اینکه شهرداری تهران مفادی از مباحث مقررات ملی ساختمان را که از جانب جمعی از خبرگان و متخصصین امر تهیه و تدوین شده است، صرفاً به استناد بخش‌نامه‌های پیشین ملغی اثر نماید، انتظاری خلاف قانون و به دور از شان فعالین عرصه قلم و مطبوعات است.

۵- درخصوص مشقوق‌های تراکمی سه و پنج برابر برای املاک و اراضی واقع در محدوده شهر تهران باید اذعان داشت که این ضوابط که در طرح تفصیلی سال ۹۱ مصوب کمیسیون ماده ۵ و شورای عالی شهرسازی و معماری ایران عیناً وجود داشته و بعدها بر اساس تصمیمات انقباضی شورای عالی شهرسازی و معماری ایران از دفترچه ضوابط طرح تفصیلی حذف شده‌اند، در راستای تحقق راهبردهای طرح جامع مبنی بر اعمال سیاست‌های تشویقی برای تجمیع اراضی و قطعات تهران با اولویت مسکونی در جهت کاهش سهم ریزدانه‌کی پلاک‌های سطح شهر بوده و در نظرداشتن این واقعیت که حد نصاب تجمیع قطعات در شرایط کنونی ۲۵۰ متر مربع بوده و بر اساس بند ۹-۵ طرح تفصیلی شهر تهران بایستی طی سال‌های آتی به ۵۰۰ مترمربع افزایش یابد و در غیر این صورت قطعات از مشوق‌های تجمیعی طرح تفصیلی محروم خواهند شد، اعمال اصلاحات این‌چنینی جهت ترغیب مالکین به تجمیع به عنوان یکی از راهبردهای اصلی طرح جامع تهران، ضرورتی غیر قابل انکار است.

۶- از جمله مهم‌ترین اهداف شهرداری تهران در مسیر اصلاح برخی از ضوابط دفترچه طرح تفصیلی شهر تهران و بازنگشت به مفاد طرح ابلاغی سال ۱۳۹۱، کنترل تعداد پرونده‌های موردی مطرح‌شده در کمیسیون ماده ۵ است. از آنجا که تغییرات تحمل‌شده بر ضوابط طرح تفصیلی در سال‌های گذشته عملاً منجر به انباشت درخواست‌های موردی از جانب مالکانی شده بود که طی سال‌های متمادی (از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۸) بدون نیاز به گذر از مسیر کمیسیون ماده ۵ و صرفاً از طریق منطقه‌ای که ملک در آن واقع شده بود و با سرعت بالا مسیر اخذ پروانه ساختمانی را طی می‌کردند، با بازگشت به ضوابط طرح تفصیلی سال ۹۱، مجدداً این ضوابط در چارچوبی شفاف و بدون امکان اتخاذ تصمیمات سلیقه‌ای، به مناطق ۲۲گانه ابلاغ خواهد شد که طبیعتاً این موضوع منجر به آزاد شدن بخش قابل توجهی از توان و زمان کمیسیون ماده ۵ شهر تهران برای تمرکز بر موضوعات و اولویت‌های اساسی تهران خواهد شد.

همچنین لازم به ذکر است میانگین نرخ تخریب و نوسازی ۲۰ساله تهران برابر با ۲ درصد است که این نرخ در سال‌هایی از دهه ۸۰ و ۹۰ به ۳ درصد و بیشتر نیز رسیده و اما در سال‌های اخیر با اعمال سیاست‌های تحدیدکننده نهادهای فرامتنجر به همراهی مدیریت شهری وقت، به یک درصد و کمتر، تقلیل یافته که همین امر منجر به رکود در سمت عرضه مسکن نوساز و در حد استطاعت در تهران شده و نتیجه آن را می‌توان در عدم تناسب عرضه و تقاضا در این بازار و افزایش قیمت مشاهده کرد که یقیناً شهرداری تهران با ارائه طرح‌های توجیهی فنی در موقعیت‌های مکانی واجد پتانسیل، درصد است تا حد امکان و با رویکرد عالمانه و از مسیر قانونی (طرح موضوع در کمیسیون ماده ۵ شهر تهران با عنویت نمایندگان دستگاه‌های دولتی و حاکمیتی) بر این چالش غلبه کند.